

واژه‌نامه گویش بیرجند

جمال رضائی، تهران، روزبهان، ۱۳۷۳، ۶۵۳ ص.

این کتاب شامل تمام واژه‌هایی است که در گویش مردم بیرجند به کار می‌رود، خواه خاص این گویش باشد و خواه مشترک میان فارسی رسمی و گویش بیرجندی. کتاب از یک مقدمه (ص ۴۰-۱۳)، متن واژه‌نامه (ص ۵۱-۴۷) و دو پیوست تشکیل شده است. متن واژه‌نامه شامل ۱۵۰۰۰ واژه است که در شهر بیرجند و پیرامون آن تا شعاع ۱۵ کیلومتری رواج دارد (ص ۱۹). به نوشته مؤلف در محله‌های مختلف شهر بیرجند میان زبان مردم در تلفظ و کاربرد واژه‌ها تفاوت وجود دارد (ص ۲۱). مؤلف برای گردآوری واژه‌ها و اصطلاحات تنها به دانسته‌های خود اکتفا نکرده بلکه برای این منظور سفرهای متعدد به این شهر کرده و اوقات زیادی را برای جمع‌آوری لغات عمومی، اصطلاحات پیشه‌وران و صاحبان مشاغل مختلف و زنان خانه‌دار و جوانان و کودکان و جز آنان صرف کرده است. به همین جهت کتاب حاوی لغات و اصطلاحات کشاورزی، نامهای گیاهان و گلها و درختان و آفات آنها، لغات و اصطلاحات آهنگران، زرگران، مسگران، نمدمالان، پاشنه‌سازان، دباغان، سفالگران، دوزندگان (خیاطان، پالان‌دوزان، کلاهدوزان، لحاف‌دوزان)، قالی‌بافان، خورجین‌بافان ... بنیایان، بازرگانان و غیر آنان است.

از آنجا که شهر بیرجند در حاشیه شرقی ایران قرار دارد و فاصله آن با شهرهای بزرگ ایران زیاد است، مقدار زیادی از لغات قدیمی که در متون قدیم به آنها برمی‌خوریم و تلفظ کهن تعدادی از واژه‌ها در این گویش باقی مانده است. موارد زیر تنها نمونه‌ای از این گونه لغات‌اند:

زمبر (زمبر، زنبه)، زینه (پله)، فالز (پالیز، جالین)، فراشا (لرزه خفیف پیش از تب) داهول (مترسک)، ذباقی (در باقی، بسته و تعطیل)، دستادست (نقد)، دغ (زمین کویری بی‌گیاه)، گزدم (کزدم)، سبد (حرامزاده)، نیاسه (نوه، نواده)، ورهمننا (برهمنانا، عبث، به‌حدس و گمان)، پاختن (پاک‌کردن)، نُقل (سوراخ، نغل، نغول)، لق (لغ، بی‌موی)، ریباج (ریواس). همچنین ترکیباتی مانند دمام، سراته (سرتاته)، سالاسال و سُستنا (سستی) و بسیاری از فعلهای ساخته شده با پیشوند «وا» که در فارسی رسمی متداول نیست در بیرجندی به‌کار می‌روند.

تعمق در بعضی واژه‌های کتاب بعضی مراسم را نیز که در بیرجند رایج است نشان می‌دهد. مثلاً ذیل جوزگله می‌خوانیم: «گردوی کوچکی که معمولاً برای اظهارگله و گلایه برای دوستی می‌فرستند»، یا ذیل جوزیاد در می‌یابیم که به معنی «گردوتی [است] که به عنوان یادآوری نزد دوستی می‌فرستند». پیوست اول کتاب (ص ۵۸۰-۵۰۵) شامل واژه‌هایی است که هم در فارسی رسمی و فارسی تهرانی به‌کار می‌روند و هم در بیرجندی. البته تعدادی از واژه‌های مشترک میان فارسی و بیرجندی نیز در متن واژه‌نامه آمده‌اند. پیوست دوم (ص ۶۵۳-۵۸۳) شامل نامهای خاص (نامهای اشخاص، رودها، کوه‌ها، دره‌ها، مزارع و غیره) است. متأسفانه در اینجا فقط به توضیحاتی از قبیل اینکه واژه ذکر شده نام ده یا مزرعه یا رود یا کوهی است بسنده شده و محل دقیق آنها مشخص نشده است. همچنین مشخص نیست که این نامها چه منطقه‌ای از بیرجند و شهرهای اطراف آن را می‌پوشاند. این کتاب بی‌شک یکی از کارهای بسیار مفید در زمینه لهجه‌شناسی ایرانی و به‌همراه کتاب دیگر مؤلف یعنی بررسی گویش بیرجند مساهمت مهمی در این زمینه است. امید است مؤلف دانشمند جلد سوم این تحقیقات را نیز که خاص فولکلور بیرجندی است به‌زودی در دسترس علاقه‌مندان بگذارند.

ع.ا. صادقی